

**Jurisprudential-Legal Reading of Law-Abiding and Fraudulent Enforcement of
Laws with an Approach Based on Imam Khomeini's Views**

Mahdi Mollaie¹

Doi: 10.22034/MATIN.2022.320397.1987

Dor: 20.1001.1.24236462.1402.25.99.5.9


Abstract

Research Paper

In parallel with development of legal obligations, evasion of law, fraud and fraudulent enforcement of laws have been on the rise. Anti-fraud policies meant to minimize its damaging effects in the society, have made jurists and legal experts to gradually develop and present the theory of fraudulent enforcement of laws. It is important because the progress of a country depends upon law-abiding. The principal questions of this research study are the following: Do the scholars and jurists accept theory of fraudulent enforcement of laws? What is the opinion of Imam Khomeini about the theory? To find appropriate answers to the above questions, we have resorted to the method of eclectic hermeneutics, clarification and content analysis. A review of Imam Khomeini's thought and conduct indicates that he has both laid emphasis on enactment of just and Islamic laws, precise and right enforcement of regulations and law-abiding, and disallowed fraudulent treatment of laws and Islamic codes of conduct. Findings of this paper show that the theory of fraudulent enforcement of laws has been gradually accepted, therefore, to fight fraudulent enforcement of laws, it is proposed to state incapacity of invocation to fraudulent act as an exclusive sanction, for which there is a need for passing pertinent laws.

Keywords: Imam Khomeini's thought, legal obligations, fraud, trick, law-abiding

1 .Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Management, Shahrood University of Technology Shahrood, Iran. E-mail:Mahdi.Mollaie@shahroodut.ac.ir

 0000000229520312

خوانش فقهی- حقوقی قانون گرای و اجرای متقلبانه قوانین بارویکردی به دیدگاه‌های امام خمینی (ره)^(۵)

مهدی مائلی^۱

DOI: 10.22034/MATIN.2022.320397.1987

DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.99.5.9

مقاله پژوهشی

چکیده: به موازات توسعه الزامات قانونی، قانون‌گرایی، اجرای متقلبانه و تقلب نیز افزایش یافته است. مقابله با تقلب با هدف خنثی کردن نتایج خسارت‌بار آن در جامعه، به‌مرور عالمان فقه و حقوق را بر آن داشته تا نظریه اجرای متقلبانه قوانین را مطرح نمایند. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که پیشرفت یک کشور در گرو قانون‌مداری است. در اینجا یک سؤال اساسی مطرح می‌شود: آیا تئوری اجرای متقلبانه قوانین مورد پذیرش علما و حقوقدانان واقع شده؟ دیدگاه امام خمینی در مورد آن چیست؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال مهم از روش ترکیبی هرمنوتیک، توصیف و تحلیل مضمون استفاده شده است. مطالعه اندیشه و سیره امام خمینی بیانگر آن است که ایشان ضمن تأکید بر تدوین قوانین اسلامی و عادلانه، اجرای دقیق و صحیح مقررات و قانون‌گرایی، از تقلب نسبت به قوانین و احکام نهی نموده است. مطابق دستاوردهای مقاله حاضر تئوری اجرای متقلبانه قوانین به‌مرور مورد پذیرش واقع شده و برای مقابله با اجرای متقلبانه قوانین، ضمانت اجرای اختصاصی عدم قابلیت استناد به عمل متقلبانه پیشنهاد شده و تصویب قانونی در این خصوص ضروری است.

کلیدواژه‌ها: اندیشه امام خمینی، الزام‌های حقوقی، تقلب، حيله، قانون‌گرایی.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده مدیریت، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران

E-mail: Mahdi.Mollaie@shahroodut.ac.ir

 0000000229520312

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱

پژوهشنامه تین/ سال بیست و پنجم/ شماره نود و نه/ تابستان ۱۴۰۲/ صص ۱۳۱-۱۰۵

مقدمه

کشورهای متمدن به منظور ایجاد نظم در جامعه مبادرت به وضع قوانین می‌کنند. حالت مطلوب زمانی است که مقررات مذکور بر اساس عقل، منطق، مصلحت و نیازهای بشری تدوین شده و همه افراد جامعه قانون‌گرا و تابع قانون باشند. با وجود این، ممکن است افراد با اغراض مختلف ضمن حفظ ظاهر قانون، آن را به صورت متقلبانه اجرا نموده و ضمن بی‌روح ساختن آن، از ضمانت اجرای قانونی آن رهایی یابند. به عنوان مثال، زنی به قصد تصاحب اموال مرد بیمار که مرگش قریب الوقوع است، با وی ازدواج نماید؛ یا مردی بیمار به منظور محروم کردن همسرش از ارث، وی را طلاق دهد؛ یا فرد بدهکار برای فرار از پرداخت دین، اموالش را به شخص ثالث منتقل کند. بر اساس قاعده فرانسوی، اجرای متقلبانه به همه قواعد حقوق استثنای وارد می‌کند و آن را تباه می‌سازد (کاشانی، ۱۳۵۲، ص. ۲۳۸). اجرای متقلبانه قوانین در حقیقت رسمیت بخشیدن به ظلم بوده و با اهداف شارع مقدس و مصالح قوانین در تضاد است. طبق دیدگاه عدلیه، قوانین اسلام تابع مصالح واقعی بوده و تخلف از آن جایز نیست. به عقیده اشاعره وضع احکام به منظور آزمودن بندگی بوده و ممکن است حرام و حلال هیچ مفسده و مصلحتی نداشته باشد؛ اما در هر صورت باید از آن‌ها تبعیت شود (ملانی، ۱۳۹۹، صص ۲۴-۲۲). چنانچه افراد برای فرار از اجرای قانون، به راه‌های متقلبانه متوسل شوند، اصولاً جعل قوانین لغو می‌شود. قانون‌گذار، قانون را برای جلب مصلحت و دفع مفسده وضع کرده و چنانچه خودش برای فرار از قانونی، حیل‌هایی را به نحو مطلق تجویز کند، در واقع خود سبب لغویت و بی‌اعتباری آن قانون شده اهداف آن تأمین نمی‌شود (ملانی و شاهینی، ۱۳۹۱، ص. ۲۳). یکی از کسانی که در قرن معاصر به‌طور ویژه به این مسئله مهم توجه کرده، امام خمینی است. در دوره صفویه برخی از علما رسماً فتوا دادند که تقلب نسبت به برخی قوانین اسلام از جمله برای فرار از معاملات ربوی مشروع است (ر.ک. به: میرزای قمی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص. ۴۶۳)؛ لیکن به عقیده امام خمینی با توجه به آیات قرآن، هدف قانون اسلام از وضع حکم حرمت برای ربا دفع ظلم است، در حقیقت ربا به دلیل اینکه مصداقی از مصادیق ظلم است، حرام است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص. ۵۴۴). در نتیجه تقلب نسبت به قوانین در همه موارد ظلم بوده و ممنوع است. لزوم قانون‌گرایی و تبعات زیان‌بار اجرای متقلبانه قوانین موجب شده صاحب‌نظران دینی و حقوقی نظریاتی

را به صورت اثباتی یا نفی‌ای در قالب نهاد اجرای متقالبانه قوانین یا مفاهیم مشابه آن مطرح نمایند. اجرای متقالبانه قوانین عبارت است از توسل یا عدم توسل محیلانه به یک ابزار قانونی، به منظور رهایی از تکالیف یا بهره‌مندی از امتیازات قانون دیگر، به نحوی که در خود قانون هیچ ضمانت اجرای حقوقی برای آن یافت نشود. در اینجا چند سؤال مهم مطرح می‌شود: لزوم قانون‌گرایی از دیدگاه امام خمینی چیست؟ تئوری اجرای متقالبانه قانون چیست و چه ارکانی دارد و ضمانت اجرای آن چیست؟ نهادهای مشابه این تئوری کدام است؟ آیا نظریه اجرای متقالبانه قوانین یک نظریه مستقل محسوب می‌شود؟ نهاد مذکور در اندیشه فقها به چه صورت مطرح شده است؟

مطابق اندیشه‌های امام خمینی، قانون‌گرایی امری ضروری بوده و تئوری اجرای متقالبانه قوانین به عنوان یک نهاد مستقل در نظام فقهی و حقوقی ایران پذیرفته شده و دارای سه رکن قانونی، مادی و روانی است و نباید آن را با نهادهای مشابه از قبیل سوءاستفاده از قانون، سوءاستفاده از حق و مهارت‌های مشروع اشتباه گرفت. افزون بر آن، از نظر حقوقی تنها ضمانت اجرای عمل متقالبانه، عدم قابلیت استناد به آن عمل بوده و ضمانت اجرای اختصاصی نظریه مذکور محسوب می‌شود. گذشته از آن، هرچند در اندیشه فقها، در خصوص جواز و حرمت حيله اتحاد وجود ندارد لیکن شایسته است حيله‌های مذکور جزء نهاد اجرای متقالبانه قوانین محسوب شود.

از نظر تاریخیچه و سابقه پژوهش به نظر می‌رسد علی‌رغم اهمیت تئوری مذکور، مطالعات جامعی در کتب حقوقی نشده و صرفاً تحقیقات پراکنده‌ای در خصوص مفاهیم مشابه آن شده که به تفصیل بررسی می‌شود. در کتب فقهی همان‌طور که بیان خواهد شد، بیشتر احکام تکلیفی موضوع مورد بحث از حیث حرمت یا جواز عمل متقالبانه بیان شده و آثار وضعی عمل حقوقی متقالبانه از حیث صحت یا بطلان قرارداد و عناصر نهاد مذکور به‌طور مستقل بررسی نشده است. مرزبندی دقیق و تئوریزه کردن نهاد اجرای متقالبانه قوانین از سایر نهادها برای نخستین بار و تحلیل جامع عناصر تئوری مذکور با تکیه بر اندیشه امام خمینی به روش تحلیل مضمون و هرمنوتیک، از نوآوری‌های مقاله حاضر محسوب می‌شود.

ادبیات مفهومی

۱. قانون

قانون معرب کلمه فارسی «کانون» است و در انگلیسی «state» ترجمه می‌شود. قانون در اصل به معنای خط کش و معیار اندازه‌گیری به کاررفته و به تدریج، مفهوم قاعده و رسم و روش را از آن گرفته‌اند (ساکت، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۹). قانون یعنی رابطه ضابطه‌مند که از وصف کلیت، عموم و شمول برخوردار است. از نظر مفهوم لغوی می‌توان از هر نوع قاعده حقوقی تحت عنوان قانون یاد نمود. قانون در مفهوم خاص فقط به قواعدی اطلاق می‌شود که از سوی قوه مقننه و با تشریفات خاص وضع می‌گردد (دانش پژوه، ۱۳۹۱، صص. ۲۲-۱۹).

۲. قانون‌گرایی

قانون‌گرایی که معادل انگلیسی آن عبارت «Legal positivis» می‌باشد، مفهومی است که به اصالت قانون و الزامات حقوقی در روابط بین مردم و دولت و مابین مردم معتقد بوده و راهکارهای احتمالی گریز و سوءاستفاده از قانون را بررسی می‌کند (حلبی، ۱۳۶۹، ص. ۱۱۴). در نظام حقوقی برخی کشورها قانون‌گرایی مکتبی فکری است که فلاسفه و حقوقدان‌هایی مانند جرمی بنتام و جان آستین در سده هجده میلادی آن را بنیان‌گذاری کردند و ممکن است متفاوت با اخلاق‌گرایی و قواعد مذهبی باشد. در نظام حقوقی ایران از آنجایی که به موجب قانون اساسی کلیه قوانین باید منطبق بر اسلام باشد، ضرورت قانون‌گرایی دوچندان می‌شود. در اسلام نیز با استناد به روایات بر قانون‌گرایی تأکید شده است (مفتح، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۰؛ اصغری، ۱۳۹۵، ص. ۲۴).

۳. اجرای متقلبانه قانون

اجرای متقلبانه در لغت به معنای نیرنگ و حيله در مقام اجرا بوده و اصطلاح فرانسوی آن عبارت «La fraude» است. ریشه لاتین اجرای متقلبانه، اصطلاح «fraus» به مفهوم ضرر و خسارت است (کاتبی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۵).

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش ترکیبی هرمنوتیک، توصیف و تحلیل مضمون، برای تفسیر داده‌ها استفاده شده است. هرمنوتیک نوعی روش‌شناسی تفسیری است که قصد دارد تفسیر تمام اعمال معنی‌دار افراد و حاصل رفتارهای مذکور را به‌ویژه زمانی که در قالب متن خودنمایی می‌کند، روشن کند. علم مذکور به «فرآیند فهم یک اثر» پرداخته و نحوه دریافت مفهوم از پدیده‌های گوناگون از قبیل گفتار، اعمال و آثار نوشتاری و هنری را بررسی می‌نماید. به نظر می‌رسد معنایی غایی و فهمی نهایی از هر اثر وجود دارد؛ وظیفه مفسر است که ضمن شناخت آن اثر، تحلیل نشانه‌های مختلف و اصلاح روش تفسیر، بکوشد تا به آن مفهوم نهایی نائل شود (احمدی، ۱۳۸۹، ص. ۵۳۵). هرمنوتیک رویکردهای مختلفی دارد. در رویکرد عینیت‌گرایی وجود معنای ثابت و غیرقابل تغییر یک اصل اساسی است. در هرمنوتیک قصد‌گرایی اسکینر، به‌منظور تحلیل اندیشه‌های فقهی و حقوقی، بازسازی زمینه‌ها به‌منظور کشف قصد مؤلف نقش بنیادین دارند (محمود پناهی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۹). تحلیل مضمون، راهبردی توصیفی جهت یافتن الگوها از درون مجموعه داده‌های کیفی است (Given, 2008, p. 867). در تحلیل مضمون، محقق با استخراج مؤلفه‌ها، کدهای ساختاری و نکات کلیدی و تجزیه و تحلیل آن‌ها و با عنایت به اصول کلی حاکم بر متن، ضمن دستیابی به الگوهای پرتکرار و معنادار، نقشه‌ای جامع از مضامین مذکور ارائه می‌دهد (2001, p. 389, AttrideStirling).

اهمیت قانون و قانون‌گرایی از دیدگاه امام خمینی

از منظر مبانی سیاسی اسلام، قانون‌گرایی و قانون‌مداری از ارکان مهم هر نظام اجتماعی و حکومتی است. نگاه امام خمینی به مسئله قانون‌گذاری وحدت‌انگارانه است. مطابق نظر امام وظیفه قانون‌گذاری و تشریح، در وهله اول بر عهده خداوند متعال است. به اعتقاد ایشان امکان قانون‌گذاری برای انسان‌ها قابل تصور است؛ اما محدوده و شرایط مشخصی را برای قانون‌گذاری مطرح کرده است. همچنین از دیدگاه ایشان نظام‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شوند و در دوره غیبت، قانون‌گذاری با ایجاد نظام اسلامی و مشروعیت حاکم، میسر می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۱، صص ۲۶، ۴۴-۴۳ حیدری، ۱۳۹۶، ص. ۸۷). امام معتقد است اسلام

برای برقراری قوانین و نظام عادلانه به پا خاسته است، به نحوی که در آن، قوانین مالیات، دادرسی و حقوق عادلانه بوده و قوانین جزائی نیز برای ریشه کن کردن مفسد وضع شده است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۱۸). امام در تمام آثار فکری و سیاسی خود بر قانون‌گرایی اصرار داشته است. از منظر ایشان اسلام در تدوین قوانین به آزادی افراد در استعدادها و توانایی‌ها آنان تأکید نموده است. چنانچه حکومت به قانون عمل کند، مردم نیز به قانون عمل می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، صص ۴۱۶-۴۱۴). مطابق دیدگاه امام خمینی معیار اساسی در اسلام قانون است و حرف نهایی را در همه امور قانون می‌زند. بدون قانون‌گرایی، سعادت فرد و جامعه تأمین نمی‌شود. در حقیقت اسلام دین قانون است و حاکمیت هم حاکمیت قانون است (اشرفی و داوودی، ۱۳۹۰، ص ۹). امام معتقد است اسلام زندگی مادی و معنوی را به یکدیگر پیوند زده و قانون‌گذاران این مسئله را به خوبی درک می‌کنند. این مسئله یکی از بزرگ‌ترین شاهکارها و از مختصات قانون اسلام است (امام خمینی، ۱۳۲۷، ص ۳۱۳). به اعتقاد امام، احکام اسلامی مشتمل بر قوانین فراوانی است که نتیجه آن ایجاد یک نظام جامع و کامل اجتماعی است (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۲۹). اسلام برای تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی وضع کرده است و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۳۸۹). امام خمینی با تقسیم‌بندی احکام الهی به اصلی، استقلالی، فرعی و تبعی (شیرخانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳) دو مقصد مذکور را مطابق فطرت بشر می‌داند، همچنان که در انسان دو فطرت عشق به کمال و تنفر از نقص وجود دارد. همه قوانین اسلام مرتبط با فطرت بوده و برای رهایی از حُجُب ظلمانی طبیعت وضع شده است (امام خمینی، ۱۳۷۷، صص ۸۰-۷۹). با توجه به اینکه در جوامع امروزی قوانین را مجلس وضع می‌کند، امام تأکید فراوان بر اسلامی بودن قوه مقننه دارد. ایشان می‌گوید قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام مختص خداوند متعال است. در نتیجه هیچ کس حق قانون‌گذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم خداوند را نمی‌توان اجرا کرد (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۴). از منظر امام خمینی قانون اساسی که مهم‌ترین قانون کشور هست، باید اسلامی باشد (خلیلی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۳). ایشان می‌گوید قانون اساسی سابق باید تصفیه شود، هر مقدارش موافق اسلام است، آن قسمت حفظ و هر مقدارش مخالف قانون اسلام است، حذف شود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۱۷۰). افزون بر آن می‌گوید جمهوری اسلامی ایران به قانون اساسی

اسلام متکی است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۳۱۱). از دیدگاه امام تدوین و اجرای قانون بر اساس انصاف، مؤثرترین عامل استحکام جامعه بوده و متضمن حقوق شهروندان است. مهم‌ترین کاربرد انصاف در اندیشه امام خمینی، در نظر گرفتن وجدان فقهی در اصدار احکام و لحاظ نمودن ضرورت‌ها در مسئله قانون‌گذاری است (نعیمی و موسوی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۱). در اندیشه امام دولتمردان موظف‌اند قانون‌مدار باشند. اگر دولت قانون را عمل کند، مردم نیز با الگوبرداری از دولتمردان از قوانین تبعیت می‌کنند؛ زیرا عمل به قانون به سود تمامی افراد جامعه است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، صص ۴۱۴-۴۱۳). عمل به قانون منتهی به تحقق عدالت می‌شود. امام معتقد است عمل به قانون موجب از بین رفتن اختلافات و ایجاد برابری می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، صص ۴۱۴-۴۱۳). با عمل به قانون نظم عادلانه مستقر خواهد شد. به اعتقاد امام اسلام به قانون نظر آلی دارد و قانون را وسیله تحقق عدالت و ابزاری برای اصلاح اعتقادات و اخلاقیات افراد می‌داند. ایشان معتقد است قانون برای اجرا و برقراری نظم اجتماعی عادلانه تدوین شده است (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۷۳). امام خمینی مقاومت در برابر قانون را نهی کرده و آن را دیکتاتوری می‌داند. به اعتقاد ایشان شخصی که از قوانین مصوب مجلس تبعیت نکند، دیکتاتور است. امام در خصوص اهمیت اجرای درست قوانین می‌گوید این سال را باید سال اجرای قانون دانست. در خصوص قانون ضروری است به نحوی عمل شود که هم اسلام و هم دنیا، اقدامات ما را یک رفتار صحیح قلمداد کند. کشوری که حاکمیت قانون در آن وجود ندارد، اسلامی محسوب نمی‌شود. افرادی که با قانون مخالفت می‌کنند، مخالف اسلام هستند. در صورتی که همه اشخاص و نهادها نسبت به قانون متواضع باشند و به قانون احترام بگذارند، هیچ نوع اختلافی حادث نمی‌شود. قانون در رأس واقع شده و ضروری است همه افراد جامعه خودشان را با آن تطبیق دهند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، صص ۴۱۵-۴۱۴).

تئوری اجرای متقلبانه قوانین و نهادهای مشابه

در خصوص تعریف اجرای متقلبانه قوانین اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوقدانان استفاده شخص از ابزاری قانونی به منظور رهایی از ضمانت اجرای قانونی را اجرای متقلبانه قوانین می‌دانند (کاشانی، ۱۳۵۲، ص ۱۰). به نظر برخی دیگر، اجرای متقلبانه قوانین عبارت از این

است که انسان از حق قانونی خود برای یک انگیزه متقلبانانه استفاده کند و امتیاز مذکور را از هدف اصیل آن منحرف سازد (نصیری ۱۳۷۲: ۵۶-۵۵). به عقیده پُل، اجرای متقلبانانه قوانین اعم از اینکه آشکار باشد یا نهان، موجب تخلف از روح قانون شده و قانون را از مجرای طبیعی خود خارج می‌سازد (کاشانی، ۱۳۵۲، ص ۹). در تحلیل نظرات فوق به نظر می‌رسد تعریف اول به عنصر روانی توجهی نداشته و فاقد جامعیت و مانعیت است؛ زیرا مصادیق ترک فعل و مصادیقی که به موجب آن عمل متقلبانانه با هدف مشمول قانونی شدن انجام می‌شود، در آن لحاظ نشده است. تعریف مذکور در حقیقت نهاد مشابه «سوءاستفاده از ضعف قانون» را در برمی‌گیرد و با نظریه اجرای متقلبانانه قوانین متفاوت است. تعریف دوم بیشتر از مصادیق نهاد «سوءاستفاده از حق» است. تعریف سوم علاوه بر اینکه مانع نیست، عنصر روانی را نیز لحاظ نکرده است. دلیل عدم مانعیت آن است که تجاوز مستقیم به قانون را نیز مصداق تعریف می‌داند. برای تعریف دقیق نهاد اجرای متقلبانانه قوانین تبیین ارتباط منطقی هدف و وسیله ضروری است. در این خصوص چهار حالت متصور است. در حالت نخست هدف و وسیله مشروع هستند. این حالت صحیح‌ترین حالت بوده و خسارات احتمالی ناشی از آن جایز است. در دومین حالت هدف و وسیله غیر مشروع است. در سومین حالت، هدف مشروع؛ اما وسیله غیرشرعی است. قاعده «الضرورات تبیح المحضورات» از مصادیق این حالت است. در چهارمین وضعیت هدف غیر مشروع و وسیله مشروع است. بدون تردید اجرای متقلبانانه قوانین در این مصداق قرار دارد. در اینجا شخص برای رهایی از تکالیف قانون دوم، از قانون دیگر استفاده می‌کند (ملائی و شاهینی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵). بر اساس نظریه اجرای متقلبانانه قوانین، هرگاه عملی با شرایط مذکور مطابقت نماید، فرد ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه تقاضا نماید عمل حقوقی ناشی از اقدام متقلبانانه را در برخی جهات نسبت به او «غیرقابل استناد» اعلام نماید. به عبارت دیگر، به موجب نظریه فوق فرد متقلب نمی‌تواند در قبال زیان‌دیده، به آن دسته از آثار حقوقی قرارداد یا ایقاع متقلبانانه که موجب محرومیت زیان‌دیده از حقوقش شده، استناد نماید؛ اما به دلیل صحت قرارداد یا ایقاع مذکور، نامبرده حق استناد به سایر آثار حقوقی را در قبال زیان‌دیده و سایر اشخاص دارد و متقابلاً مکلف است به کلیه تعهدات احتمالی خود در قبال زیان‌دیده و از طرف قرارداد با حسن نیت پایبند بوده و آنان می‌توانند جهت مطالبه حقوق خود و الزام

متقلب به اجرای تعهدات، به صحت عمل حقوقی متقالبانه استناد نمایند. همان‌طور که گذشت، حقوق‌دانان در تعریف اجرای متقالبانه قوانین به نحوی عمل کرده که وارد قلمرو سایر نهادهای مشابه شده‌اند. این نهادها در ادامه بررسی می‌شود تا مرزبندی دقیق آن‌ها از نهاد مورد بحث روشن شود.

۱. سوءاستفاده از قانون

سوءاستفاده از قانون موقعیتی است که در آن شخص از نقص و خلأ موجود در قانون به منظور رسیدن به اهداف خود بهره‌برداری می‌کند. در نهاد مذکور فرد از قانون تخلف کرده؛ اما برای توجیه عمل خود به یک ابزار قانونی دیگر متمسک می‌شود، به‌عنوان مثال قاتل قتل را به بهانه مهدورالدم بودن مقتول توجیه می‌کند؛ اما در نهاد اجرای متقالبانه قوانین ظاهراً تخلفی رخ نداده؛ اما در عمل الزام قانون دیگر را بی‌اثر می‌کند. برای مثال وقتی بدهکار برای در امان ماندن از الزام قانونی مبنی بر توقیف اموال، آن‌ها را طی قراردادی به همسرش انتقال می‌دهد، ظاهراً تخلفی را انجام نداده اما با انتقال اموال در واقع مقررات مربوط به توقیف اموال را بی‌اثر ساخته است (ملانی، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۸).

۲. سوءاستفاده از حق

سوءاستفاده از حق وضعیتی است که فرد کار مجازی را انجام می‌دهد؛ ولی هدف از آن رفع احتیاج نیست بلکه قصد ضرر به دیگری را دارد و یا اعمال حق خود را به نحو نامتعارف انجام می‌دهد و در اثر این تقصیر به شخص دیگر آسیب می‌زند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۳۱۳). اصل ۴۰ قانون اساسی هم به این مسئله اشاره کرده است. برخی نویسندگان اصل فوق را برای نظریه اجرای متقالبانه قوانین به کار برده‌اند (کاشانی، ۱۳۵۲، ص. ۲۴۱). عده‌ای نهاد فوق را با نهاد اجرای متقالبانه قوانین مساوی می‌دانند (تقفی، ۱۳۷۵، ص. ۳۸). برخلاف نهاد مذکور، در نهاد اجرای متقالبانه قوانین شخص قصد اجرای حق قانونی خود را ندارد، بلکه می‌خواهد از اجرای قانون فرار کند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۳۱۳).

۳. تباری و قرارداد صوری

عده‌ای از حقوقدانان اجرای متقلبانه قوانین را زیرمجموعه نهاد تباری و قرارداد صوری دانسته‌اند. به نظر یکی از حقوقدانان معاصر، اجرای متقلبانه قوانین عملی است که به موجب آن افراد با تباری از اجرای قانون امری اجتناب نمایند. برای مثال قیمت قرارداد را با تباری کمتر ذکر می‌کنند تا از مالیات معاف شوند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۳۱۴). به نظر می‌رسد این دو نهاد با یکدیگر متفاوت است؛ زیرا برخلاف نهاد تباری، در نظریه اجرای متقلبانه قوانین هیچ‌گونه تباری صورت نگرفته و عمل انجام‌شده صوری و ساختگی نیست بلکه واقعی است. افزون بر آن، شرایط اساسی صحت قرارداد نیز رعایت شده است.

۴. مسئولیت مدنی

برخی از حقوقدانان معتقدند اجرای متقلبانه قوانین از مصادیق نظریه مسئولیت مدنی است و از ضمانت اجرای قانونی آن می‌توان برای خنثی کردن تقلب استفاده کرد. طبق این دیدگاه تقلب یک جرم مدنی حقیقی است و عنصر خطا در اجرای متقلبانه قوانین به صورت قصد تقلب درمی‌آید (کاشانی، ۱۳۵۲، صص. ۲۳۳-۲۳۱). به نظر می‌رسد این دو نظریه از حیث مفهوم، اهداف و ضمانت اجرا با یکدیگر تفاوت دارند؛ زیرا ضمانت اجرای نظریه اجرای متقلبانه قوانین عدم قابلیت استناد به عمل متقلبانه است.

۵. مهارت‌های مشروع

منظور از مهارت‌های مشروع ترفندهای مجاز است (ملائی، ۱۳۹۵، ص. ۲۳۲). وجه تمایز مهارت‌های مشروع از نظریه اجرای متقلبانه قوانین الزام قانونی است. بدون تردید استفاده متقلبانه از ابزار قانونی موجب شکل‌گیری عناصر نظریه اجرای متقلبانه قوانین می‌شود؛ اما اگر شخصی با هوش و ترفند خود به نحوی عمل کند که عناصر مذکور محقق نشود، در نتیجه هیچ‌گاه الزام قانونی بر او تحمیل نمی‌شود تا در این صورت مجبور به تقلب شود (کاشانی، ۱۳۵۲، ص. ۵۳).

۶. نظم عمومی و اخلاق حسنه

به قوانین آمرانه نظم عمومی گفته می‌شود و اراده افراد نمی‌تواند قانون را نقض کند (صفایی، ۱۳۸۹، صص ۵۲-۵۱). نظم عمومی امری استثنایی است و معمولاً اراده افراد حاکم است (ملائی، ۱۳۹۴، ص ۸۸). برخی از حقوق‌دانان مانند بارتن نظریه اجرای متقالبانه قوانین را از مظاهر نظم عمومی محسوب کرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد این دو نهاد از جهت ماهیت، اهداف و ضمانت اجرا تفاوت‌های زیادی دارند (الماسی، ۱۳۶۸، صص ۱۴۱-۱۴۰). معیار اخلاق حسنه منش و کردار افراد نیکوکار و پرهیزگار جامعه است (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۵۲). لزوم اجرای اخلاق حسنه جامعه را از نهاد اجرای متقالبانه قوانین بی‌نیاز نمی‌کند؛ زیرا در نهاد مذکور ظاهراً اخلاق حسنه رعایت شده است. اخلاق حسنه معیاری نوعی دارد و اجرای متقالبانه قوانین معیاری شخصی دارد؛ چراکه عنصر روانی در نهاد اجرای متقالبانه قوانین نقش مهمی دارد.

عناصر حقوقی نهاد اجرای متقالبانه قوانین

در قوانین ایران ماده‌ای که اجرای متقالبانه قوانین را به صراحت منع کند، وجود ندارد. از مواد ۱۳۲، ۶۵، ۹۴۴ و ۹۴۵ قانون مدنی، ماده ۵۷ قانون اجرای احکام مدنی، مواد ۴۲۴، ۵۰۰ قانون تجارت و مواد ۱۳۳، ۱۳۹ و ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی به‌عنوان مستندات قانونی در راستای مقابله با اجرای متقالبانه قوانین نام‌برده شده است. به نظر می‌رسد ماده ۱۳۲ قانون مدنی برای اثبات نهاد «سوءاستفاده از حق» مناسب است. به دلالت ماده مذکور کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد. در ماده ۶۵ قانون مدنی، ماده ۵۷ قانون اجرای احکام مدنی و مواد ۴۲۴ و ۵۰۰ قانون تجارت ضمانت اجرا مشخص شده و به همین دلیل از مصادیق نهاد اجرای متقالبانه قوانین محسوب نمی‌شوند. در ماده ۶۵ ضمانت اجرای وقفی که با قصد ضرر به طلبکاران واقع شده «عدم نفوذ وقف» اعلام شده است. ماده ۵۷ هرگونه تعهد نسبت به مال توقیف شده را «غیر نافذ» می‌داند. طبق ماده ۴۲۴ معاملات تاجر ورشکسته قبل از توقف با هدف ضرر به طلبکاران «قابل فسخ» اعلام شده و به موجب ماده ۵۰۰ معاملات تاجر ورشکسته بعد از قرارداد ارفاقی به قصد اضرار به طلبکاران

«باطل» تلقی شده است. مواد ۱۳۳ و ۱۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی تخصصاً از بحث خارج بوده و مربوط به نهاد «تبانی» است. به موجب مواد مذکور هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوای ورود ثالث یا جلب ثالث به منظور تبانی و تأخیر رسیدگی است، دعوای مذکور را از دعوای اصلی تفکیک نموده به هریک جداگانه رسیدگی می کند. افزون بر آن، عبارت «تقلب» در بند ۵ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی که از مصادیق اعاده دادرسی است، یک اشتراک لفظی بوده و مربوط به نهاد مورد بحث نیست؛ اما دو ماده ۹۴۴ و ۹۴۵ قانون مدنی مؤید نظریه اجرای متقلبانه قوانین است. طبق ماده ۹۴۴ اگر شوهر در حال بیماری زن خود را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به دلیل همان بیماری بمیرد، زوجه از او ارث می برد، مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد. به دلالت ماده ۹۴۵ اگر مردی در حال بیماری زنی را عقد کند و در همان بیماری قبل از دخول بمیرد، زن از او ارث نمی برد. تحقق اجرای متقلبانه قوانین منوط به اجتماع سه عنصر قانونی، روانی و مادی است که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. عنصر قانونی اجرای متقلبانه قوانین

اجرای متقلبانه قوانین مستلزم وجود دو الزام قانونی است. الزام اول قانونی به طور مستقیم مورد استفاده شخص متقلب واقع می شود. الزام دوم، قانونی است که الزام آن در اثر رفتار متقلبانه فرد بی اثر و ناکارآمد شده است. به عنوان نمونه، زوج در حالت بیماری منتهی به فوت و به منظور محرومیت زوجه از ارث، مبادرت به طلاق دادن او می کند. در این مثال، زوج با تمسک محیلانه به حق طلاق، حکم مندرج در مواد ۹۴۰ و ۹۴۶ قانون مدنی دایر بر ارث بری زوجه را بی اثر می سازد. همچنین ممکن است زنی به منظور بهره مندی از ارث با مردی که در بیماری منتهی به فوت قرار دارد، ازدواج نماید. در نهاد اجرای متقلبانه قوانین، آنچه اهمیت فراوان دارد فقدان ضمانت اجرای خاص در قانون در مورد عمل متقلبانه است. در غیر این صورت از محل بحث خارج است؛ زیرا دادگاه مکلف است طبق همان ضمانت اجرای مصوب حکم را صادر نماید. در خصوص مواد ۹۴۴ و ۹۴۵ قانون مدنی، مقنن ضمانت اجرای خاصی را در خصوص اعمال حقوقی طلاق و نکاح مطرح نکرده و آنچه در خصوص ارث بری یا محرومیت از ارث بیان شده به دلیل مقابله با نیت متقلبانه و بی اثر

کردن آن صورت گرفته است. به نظر می‌رسد از وحدت ملاک این دو ماده بتوان حکم کلی «غیرقابل استناد بودن اعمال متقالبانه» را اقتباس نمود.

۲. عنصر مادی اجرای متقالبانه قوانین

فعل یا ترک فعل یک الزام قانونی، عنصر مادی اجرای متقالبانه قوانین را تشکیل می‌دهد. عنصر مادی معمولاً در قالب یک قرارداد یا یک ایقاع صورت می‌گیرد. با وجود این ممکن است شخص متقلب به منظور رهایی از الزامی قانونی، ترک فعلی را انجام دهد. به عنوان مثال ممکن است فرد متقلب علی‌رغم ابلاغ برگه مالیاتی، برگه را پر نکند تا مدت منقضی شده و از پرداخت مالیات فرار نماید. افزون بر آن، لازم نیست شخص متقلب تنها یک عمل را انجام دهد. به عنوان مثال فرد متقلب یک سند عادی ملکی را می‌فروشد؛ اما همان زمین را با سند رسمی به شخص دیگر منتقل می‌کند. در اینجا شخص متقلب برای استفاده از امتیاز معاملات رسمی، دو عمل قراردادی انجام داده است. همچنین تقدم یا تأخر معافیت از تکلیف و استفاده از امتیازات قانونی نسبت به عمل متقالبانه ضرورتی ندارد.

۳. عنصر روانی اجرای متقالبانه قوانین

عنصر روانی نهاد اجرای متقالبانه قوانین، سوء نیت شخص متقلب است. داشتن سوء نیت خاص مبتنی بر اضرار به شخص دیگر ضروری نیست، هر چند در مواردی چنین قصدی نیز وجود دارد؛ مانند انعقاد قرارداد به قصد فرار از پرداخت دین. با وجود این، داشتن قصد رهایی از یک الزام قانونی یا بهره‌مندی از امتیازات یک الزام قانونی دیگر ضروری است و لازم است نتیجه نیز محقق شود.

دیدگاه حقوق‌دانان در خصوص نظریه اجرای متقالبانه قوانین

پیرامون تأیید یا عدم تأیید نظریه اجرای متقالبانه قوانین تحت عنوان یک نهاد عمومی، بین جامعه حقوق‌دانان اختلافاتی وجود دارد. برخی از آنان با تأیید نظریه مذکور به عنوان یک نظریه عمومی و مستقل مخالف هستند. به عقیده یکی از آنان مسیری طولانی وجود دارد که نهاد اجرای متقالبانه قوانین و حیل‌های شرعی مبنای یک نظریه عمومی در نظام حقوقی

ایران گردد. به اعتقاد ایشان اجرای متقلبانه قوانین برای قرار گرفتن در وضعیتی مفید همیشه نامشروع نیست، لیکن تشخیص بین مصادیق مباح و حرام به آسانی میسر نیست و برخی اوقات تشخیص بین «سوءاستفاده از حق» و «اجرای متقلبانه قوانین» امری دشوار است (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ج ۲، ص. ۲۷۰). مخالفین برای اثبات نظریه خود به دلایلی استناد کرده‌اند. آن‌ها معتقدند اقدامی را که مقنن اجازه داده، نمی‌توان تقلب محسوب کرد؛ زیرا مستلزم نوعی تناقض است (کاشانی، ۱۳۵۲، ص. ۱۷۳). به نظر می‌رسد ایراد مذکور قابل پذیرش نیست؛ زیرا همه معاملات در نهاد اجرای متقلبانه قوانین به صورت صحیح ایجاد می‌شوند و چنانچه مقنن آن‌ها را باطل بداند، خلاف اصول عمل کرده است. گذشته از آن خود الزام قانونی تقلب محسوب نمی‌شود تا پارادوکس ایجاد شود، بلکه عنصر روانی است که موجب متقلبانه شدن فعل می‌شود. افزون بر آن در قراردادها اصل بر صحت است. لزوم احراز قصد از طرف قاضی در هر پرونده و دخالت سلیقه قضات دومین ایراد مخالفین است (الماسی، ۱۳۶۸، ص. ۱۳۹). هرچند مهم‌ترین دغدغه مخالفین دشواری اجرای عدالت است؛ اما عدم توجه به حقوق شخص آسیب‌دیده از تقلب، بیشتر عدالت را خدشه‌دار می‌کند. مخالفین به‌عنوان سومین دلیل به وجود نهادهای مشابه استناد کرده و معتقدند دیگر نیازی به نهاد اجرای متقلبانه قوانین نیست. برای مثال، برخی معتقدند در خصوص تابعیت، به‌منظور باطل کردن تغییر تابعیت می‌توان از نهاد «جهت نامشروع» استفاده کرد (نصیری، ۱۳۷۲، ص. ۵۷). طرح ایراد مذکور به دلیل عدم مرزبندی دقیق نهاد اجرای متقلبانه قوانین با سایر نهادهای مشابه است و همان‌طور که قبلاً گفته شد تفاوت‌های زیادی بین این نهادها وجود دارد.

باوجوداین، گروهی به‌درستی نهاد اجرای متقلبانه قوانین را تحت عنوان یک نظریه عمومی و مستقل محسوب کرده و آن را پذیرفته‌اند. به عقیده آنان طبق رویه قضایی برخی از کشورها این تئوری ضامن اجرای قواعد حل تعارض بوده و موافق اهداف اساسی حقوق است؛ زیرا در این صورت اعتبار قانون حفظ‌شده و آثار به‌حق قوانین ضمانت می‌شود. در غیر این صورت تالی فاسد دارد؛ چراکه عده‌ای به آسانی از شمول قوانین امری کشور خود خارج می‌شوند (الماسی، ۱۳۶۸، ص. ۱۴۰). افزون بر آن، استدلال‌های دیگری برای قبول نظریه اجرای متقلبانه قوانین از قبیل مقابله با رفتار متقلبانه، حفظ حقوق زیان‌دیده و عدم وجود نظریه جایگزین وجود دارد.

آثار حقوقی و کیفری نظریه اجرای متقالبانه قوانین

پذیرش نهاد اجرای متقالبانه قوانین، زمانی منطقی و مفید فایده است که آثار خاص و ضمانت اجرای اختصاصی در این زمینه وجود داشته باشد. بطلان عمل متقالبانه، عدم نفوذ آن، صحت و عدم قابلیت استناد به قرارداد متقالبانه از مهم‌ترین ضمانت‌های اجراهای ذکر شده برای تئوری اجرای متقالبانه قوانین هستند. به نظر می‌رسد ضمانت اجرای «بطلان» مطلوب نیست؛ زیرا در نهاد اجرای متقالبانه قوانین قرارداد تمام شرایط اساسی صحت را دارد. گذشته از آن، پذیرش بطلان موجب خدشه به حقوق طرف قرارداد که با حسن نیت وارد معامله شده می‌شود. ضمانت اجرای «عدم نفوذ» نسبت به بطلان مناسب‌تر است؛ اما به دلیل حذف ماده ۲۱۸ قانون مدنی و احتمال رد معامله از طرف ذی‌نفع که موجب خدشه به حقوق طرف دیگر قرارداد می‌شود، ضمانت اجرای کاملی نیست. به نظر می‌رسد «عدم قابلیت استناد به قرارداد و عمل متقالبانه» ضمانت اجرای مطلوبی است؛ زیرا عدم قابلیت استناد به معنای بطلان قرارداد نیست. ضمانت اجرای بطلان، قرارداد را به کلی فاسد می‌سازد، ولی ضمانت اجرای عدم قابلیت استناد، عمل حقوقی را به کلی تباه نمی‌کند، بلکه صرفاً نتیجه حاصل از اقدام متقالبانه را نسبت به زیان‌دیده بی‌اثر می‌سازد. قراردادی که با اجرای متقالبانه قوانین همراه شده، مقصود اراده طرفین بوده و اصل بر حاکمیت اراده‌هاست و به همین دلیل صحیح است. مواد ۹۴۴ و ۹۴۵ قانون مدنی مصادیقی از ضمانت اجرای عدم قابلیت استناد است. به موجب مواد مذکور، در صورتی که زن با مردی که در مرض منتهی به مرگ قرار دارد، ازدواج نماید، نسبت به عقد مذکور قاصد بوده و عقد نکاح با جمیع شرایط صحت محقق شده است. به همین دلیل در صورتی که زن برحسب اتفاق فوت نماید، مرد بیمار وی ارث می‌برد؛ اما زن به دلیل داشتن انگیزه متقالبانه، علی‌رغم صحت نکاح از مرد بیمار ارث نمی‌برد. افزون بر آن، مردی که در بیماری منتهی به مرگ، همسر خود را طلاق دهد، اراده انشایی صحیح مبنی بر طلاق دارد، اما انگیزه وی متقالبانه است و به همین دلیل صرفاً در خصوص مسئله ارث به‌طور استثنایی علی‌رغم تحقق طلاق، رابطه زوجیت قطع نمی‌شود و زوجه از وی ارث می‌برد. به عبارت دیگر طلاق نسبت به زن غیرقابل استناد بوده و نامبرده تا یک سال از زوج ارث می‌برد؛ اما در صورتی که زن فوت نماید، مرد از وی ارث نمی‌برد؛ زیرا طلاق محقق شده است. لازم به ذکر است در سایر مصادیق اجرای متقالبانه قوانین نیز

قرارداد باطل نمی‌شود. به‌عنوان مثال اگر شخصی به‌منظور فرار از پرداخت دین، با شخص ثالث قراردادی منعقد کند و در ضمن آن قرارداد تعهدات دیگری را بپذیرد، مکلف است به تعهدات خود عمل کند و نمی‌تواند با استناد به بطلان قرارداد از اجرای سایر تعهدات فرار نماید. خاطرنشان می‌شود در برخی موارد اجرای متقابلانه برخی از قوانین ضمانت کیفری نیز دارد. به‌عنوان مثال طبق ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن که شخص جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی دریافت نماید، ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود.

مبانی و ادله فقهی اجرای متقابلانه قوانین

اجرای متقابلانه قوانین که در فقه تحت عنوان حيله یادشده به معانی چاره‌اندیشی به‌منظور رسیدن به هدف و فریب و خدعه استفاده شده است. از تقلب به معنای اخیر در مسائلی مانند تجارت، شهادت، جهاد و حدود صحبت شده است (مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶، ص. ۴۰۳). تقلب در معنای نخست یعنی استفاده از اسباب شرعی برای اسقاط یک تکلیف؛ مانند استفاده از تقلب در ربا به‌منظور فرار از آن. تقلب از نظر تکلیفی به جایز و حرام تقسیم شده است. حيله جایز استفاده از ابزار مباح و حيله حرام استفاده از ابزار حرام برای نائل شدن به امری مباح است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص. ۴۹۲). به اعتقاد برخی فقها از لحاظ حکم وضعی تفاوتی بین دو حالت نیست، هرچند در حيله حرام شخص متقلب از نظر شرعی مرتکب فعل حرام شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص. ۵۹۶). برخی فقها معتقدند حيله‌ای که نافی غرض اصلی و مشروعیت حکم باشد، باطل بوده و اثری بر آن مترتب نیست (نجفی، ۱۴۰۶، ج ۳۲، ص. ۲۰۲). مصادیق تقلب جایز در فقه زیاد است، مانند تقلب به‌منظور فرار از ربا. در خصوص تقلب حرام نیز مثال‌هایی از قبیل ارتداد زن به‌منظور بطلان عقد نکاح و رهایی از شوهر ذکر شده است. البته در خصوص بطلان عقد نکاح به‌واسطه ارتداد صوری ایراداتی مطرح شده است (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۵، ص. ۳۷۹). به نظر می‌رسد در خصوص اصل جواز استفاده از تقلب بین فقها اختلاف است. افزون بر آن، مشخص نیست پذیرش تقلب به‌صورت مطلق بوده یا نسبی و مقید. همچنین مشخص نیست آیا بین حکم تکلیفی و وضعی تلازمی وجود دارد یا ندارد.

در قرآن کریم آیه ۱۶۲ سوره اعراف، تقلب قوم بنی‌اسرائیل در تغییر سخن خداوند و آیه ۱۶۶ سوره مذکور و آیات ۶۵ و ۶۶ سوره بقره و آیه ۱۵۴ سوره نساء، تقلب قوم یهود در تخطی از حکم حرمت صید ماهی در روز شنبه را مذمت نموده است. به اعتقاد گروهی از فقها این آیات دلیلی بر بطلان قرارداد و حرمت تقلب است. این گروه به آیه ۲۳۱ سوره بقره هم استناد کرده‌اند لیکن آیه مذکور مربوط به نهاد سوءاستفاده از حق طلاق است. باوجوداین، برخی از فقها با استناد به آیات ۴۳ و ۴۴ سوره «ص» و ۶۲ و ۶۳ سوره انبیاء، تمسک به حيله را مجاز می‌دانند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۹۰؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۲۸). مطابق آیات سوره انبیاء، حضرت ابراهیم بعد از شکستن بت‌ها فرمود این کار را بت بزرگ کرده است، شما از بتان سؤال کنید، اگر سخن می‌گویند. طبق آیات سوره «ص» حضرت ایوب برای عمل به سوگند خود مبنی بر تازیانه به همسرش، به دستور خدا از دسته‌ای شاخه نازک استفاده کرد تا بدن همسرش آزرده نشود.

در خصوص حيله و تقلب به احادیث فراوانی نیز به صورت نفی‌ای و اثباتی استناد شده است. به‌عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) در حدیثی فرمودند مسلمین در آینده به‌وسیله اموالشان آزموده می‌شوند؛ زیرا حکم حرام را با شبهات و هوس‌ها حلال می‌کنند. آن‌ها خوردن شراب را با تغییر اسم آن به «نبيذ» حلال می‌دانند و رشوه را تحت عنوان هدیه و ربا را تحت عنوان خرید و فروش و معامله، مباح می‌دانند (علی بن ایطالب، ۱۳۸۰، خطبه ۱۵۶). همچنین رسول خدا (ص) فرمودند مبدا آنچه را قوم یهود مرتکب شدند، انجام داده و محرمات خدا را با کوچک‌ترین حيله‌ای حلال بدانید (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ص ۱۱۴). مطابق حدیثی دیگر هدایایی که به کارمندان داده می‌شود، خیانت محسوب می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷۱). فقهای موافق جواز توسل به حيله نیز به احادیثی استناد کرده‌اند. سويد بن حنظله روایت کرده با وائل بن حجر بیرون رفتیم تا رسول خدا (ص) را ببینیم، اما دشمنان وائل را گرفتند و مردم از سوگند خوردن امتناع کردند؛ اما من سوگند یاد کردم که او برادر من است و دشمن او را رها کرد. سپس آن را به پیامبر (ص) عرض کردم. فرمود: راست گفتی زیرا مسلمان برادر مسلمان است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۹۱). این گروه به احادیثی نیز در باب جواز اخذ مال از بدهکار در ازای تأخیر بدهی استناد کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، باب ۹، حدیث ۴).

دیدگاه امام خمینی و سایر فقها در خصوص نظریه اجرای متقلبانه قوانین

همان‌طور که گذشت در خصوص اجرای متقلبانه قوانین فقها اغلب حکم تکلیفی را بیان نموده و در خصوص جواز و یا حرمت آن فتوا داده‌اند. با عنایت به اینکه طبق قواعد اصولی بین حکم تکلیفی و وضعی ملازمه وجود ندارد، در خصوص اثر وضعی چنین قراردادهایی نمی‌توان صحت یا فساد را استنباط کرد. برخی از فقها حکم وضعی را بیان کرده اما به صراحت نظریه اجرای متقلبانه قوانین را مورد ارزیابی قرار نداده‌اند (نجفی، ۱۴۰۶، ج ۳۲، ص ۲۰۲). به نظر می‌رسد در اجرای متقلبانه قوانین صحت عقود مسلم بوده و جواز یا حرمت آن، مانع انکار نظریه مذکور نمی‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۹۶). برای تأیید نظریه اجرای متقلبانه قوانین می‌توان از مبنای فقهی مواد ۹۴۴ و ۹۴۵ قانون مدنی نیز استفاده کرد (شهید ثانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۵۳). از بین علمای معاصر امام خمینی تنها فقیهی است که به‌طور کامل با اجرای متقلبانه احکام شرعی و قوانین اسلامی مقابله کرده است. پذیرش اجرای متقلبانه قوانین موجب نقض غرض احکام شرعی شده و این مهم‌ترین دلیل فقها برای مقابله با آن است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۴۸۸) و معتقدند هر چه متضمن چنین امری باشد، حکم به بطلان آن می‌شود (نجفی، ۱۴۰۶، ج ۳۲، ص ۲۰۲). یکی از مهم‌ترین مصادیق اجرای متقلبانه قوانین اسلامی تقلب در ریاست. سیر تاریخی اندیشه‌های امام خمینی نشان می‌دهد ایشان در ابتدا طبق نظر مشهور فتوا داده لیکن بعدها از این دیدگاه عبور نموده و برعکس نظریه مشهور هیچ‌یک از مصادیق تقلب در ربا را جایز نمی‌داند (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، صص ۵۴۱-۵۴۰). به اعتقاد امام خمینی احادیثی که به‌موجب آن استفاده متقلبانه از احکام در خصوص مسائلی مانند ربا و قرض صحیح اعلام شده، از لحاظ سند و متن دارای اشکال است و چنین نصوصی با قرآن کریم و سنت تناقض دارد و در نتیجه مطروح و مردود است به عقیده ایشان پذیرش اجرای متقلبانه قوانین و احکام با روح اسلام منافات دارد. امام معتقد است ترفندهای ذکرشده در ربا موجب رهایی واقعی از ربا نمی‌شود و اجرای متقلبانه قوانین در همه موضوعات را از نظر شرعی جایز نمی‌داند (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۴۴). ایشان در کتاب توضیح المسائل نیز در مسائل ۲۸۹۶ و ۲۸۹۷ به این موضوع تأکید کرده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۷۱). ایشان در کتاب استفتائات نیز هر نحو معامله که برای فرار از ربا است را در حکم ربا و باطل می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۳۷)

افزون بر آن معتقد است چنانچه طلبکار برای تأخیر بدهکاری، مالی را از بدهکار بگیرد حرام است، هرچند بدهکار به آن رضایت دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸، صص. ۴۶۱-۴۶۰). به نظر می‌رسد فتوای مذکور ناظر به شرایطی است که ارزش پول ثابت باشد. باوجوداین، بسیاری از فقها معتقدند که مصادیق ذکرشده در باب رهایی از ربا و مصادیق مشابه آن، از نظر شرعی جایز است. حتی صاحب جواهر در برخی از مصادیق مانند خرید و فروش درهم و دینار، ادعای اجماع کرده است (نجفی، ۱۴۰۶، ج ۲۳، ص. ۳۹۱). برخی از فقها مانند علامه حلی و محقق اردبیلی در موارد ضرورت اجرای متقلبانه را تجویز می‌کنند و در سایر موارد آن را باطل می‌دانند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص. ۴۸۸). یکی از فقها بین اجرای متقلبانه احکام در مواردی که جنبه عقلایی دارد و آنچه جنبه عقلایی ندارد، قائل به تفصیل شده و حالت نخست را مشروع می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ص. ۱۰۶). از دیدگاه ایشان اجرای متقلبانه احکام ربا حالات متعددی دارد. در برخی مصادیق قصد جدی وجود ندارد. در برخی موارد قصد جدی است اما عقلاً آن را عاقلانه نمی‌پندارند؛ در برخی مصادیق علی‌رغم نداشتن دو مشکل قبلی فلسفه حرمت ربا در آن مشهود است. این سه قسم باطل است؛ اما در موارد جدی و عقلایی همانند دو قرارداد مستقل و نامرتب، اجرای متقلبانه قوانین نوعی چاره‌جویی محسوب شده و این مصداق جایز است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ص. ۱۱۹). به نظر می‌رسد مصادیق اول و دوم و چهارم تخصصاً از نظریه اجرای متقلبانه قوانین خارج است و مشمول سایر نهادهای مشابه مانند تبانی و مهارت‌های مشروع می‌شود اما در مورد مصداق سوم، دلالت و سند احادیث صحیح بوده و قرارداد به دلیل حکمت ربا و وجود معارض باطل است. به نظر می‌رسد چنانچه معامله‌ای به صورت صحیح واقع شود، نباید باطل اعلام گردد. افزون بر آن، این مصداق مورد تأیید احادیث نیز است (ر.ک. به: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص. ۲۱۲) در نتیجه مصداق سوم در نظریه اجرای متقلبانه قوانین جای می‌گیرد.

آثار شرعی اجرای متقلبانه قوانین و احکام اسلامی

با توجه به آنچه گفته شد برخی از فقها اجرای متقلبانه قوانین را حرام و قرارداد را باطل (نجفی، ۱۴۰۶، ج ۳۲، ص. ۲۰۲) و عده‌ای آن را جایز و قرارداد ناشی از آن را صحیح می‌دانند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص. ۴۹۰؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۴۲۸). برخی نیز حکم

وضعی تقلب مباح و حرام را یکی دانسته و قرارداد مذکور را صحیح می‌داند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۹۶). از کلام برخی استنباط می‌شود حيله مشروع تحت عنوان مهارت‌های مشروع قرار می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ص ۱۱۹). به نظر می‌رسد حکم شرعی دایر بر جواز یا حرمت اجرای متقلبانه قوانین تأثیری در صحت یا بطلان قرارداد منعقدشده ندارد؛ زیرا صحت یا بطلان قرارداد وابسته به تحقق و عدم تحقق شرایط عمومی (ماده ۱۹۰ قانون مدنی) و اختصاصی صحت قراردادهاست. شبیه این مسئله حرمت خرید و فروش در وقت نماز جمعه با وجود صحت قرارداد مذکور است. با وجود این، عدم برخورد با سوءنیت فرد متقلب تالی فاسد دارد و ضمانت اجرای عدم قابلیت استناد به قرارداد متقلبانه به وسیله برخی فقها مانند شهید ثانی بیان شده و در قوانین ایران مانند مواد ۹۴۴ و ۹۴۵ قانون مدنی که مبتنی بر فقه امامیه است، منعکس شده است (ر.ک. به: شهید ثانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۵۳). خاطر نشان می‌شود طبق نظر ابن قیم هیچ‌یک از ائمه اربعه حيله و تقلب را جایز نمی‌دانند بلکه فقهای متأخر حيله‌هایی ساخته و آن را به ائمه اربعه نسبت داده‌اند. طبق نظر ایشان تقلب حرمت را از بین می‌برد و این در حالی است که سبب آن همچنان باقی است. افزون بر آن، تقلب وجوب را از بین می‌برد، در حالی که علت آن همچنان وجود دارد. در نتیجه طبق دیدگاه ایشان اجرای متقلبانه قوانین از جهات متعدد حرام است (کاشانی، ۱۳۲۵، صص ۳۰-۲۷).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد نظریه عمومی اجرای متقلبانه قوانین در نظام فقهی و حقوق موضوعه ایران به‌عنوان یک نهاد مستقل مورد تصدیق قرار گرفته و عدم قابلیت استناد به عمل متقلبانه ضمانت اجرای اختصاصی آن محسوب می‌شود. تلاش علما و حقوقدانان خواه به صورت نفی‌ای و خواه به صورت اثباتی منتهی به تأسیس نهادی مستقل و معتدل شده است. اندیشه و سیره امام خمینی بیانگر آن است که ایشان ضمن تأکید بر تدوین قانون اسلامی و عادلانه و اجرای دقیق و صحیح قوانین و احکام شرعی، از تقلب نسبت به قوانین و احکام نهی نموده است و همگان را به تبعیت از قانون و قانون‌گرایی توصیه نموده است. با عنایت به یافته‌های این پژوهش در صورتی که دادگاه، پرونده را از مصادیق نظریه اجرای متقلبانه قوانین قلمداد کند، شایسته است به درخواست فرد آسیب‌دیده از تقلب، رفتار متقلبانه را نسبت

به او غیرقابل استناد اعلام کند. نظریه اجرای متقالبانه قوانین ضمن مقابله با حيله و تقلب، دارای آثار متعدد اجتماعی، حقوقی، فرهنگی و اقتصادی است و حقوق همه اطراف، شامل شخص زیان‌دیده، طرف معامله با حسن نیت و جامعه حفظ می‌شود و وصف آمرانه الزامات قانونی به کمک آن تقویت می‌شود. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار در این خصوص قانونی تصویب و به‌موجب آن حکم وضعی اجرای متقالبانه قوانین را «عدم قابلیت استناد به عمل حقوقی متقالبانه» اعلام نماید.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به‌تنهایی تمام مقاله را نوشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۹). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز نشر.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اشرفی، اکبر و داودی، حمیدرضا (۱۳۹۰). قانون پذیری و امنیت ملی در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ره). فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، ۴(۱۵)، ۳۴-۹. https://prb.ctb.iau.ir/article_524515.html
- اصغری، علی (۱۳۹۵). ضرورت قانون‌گرایی در جامعه اسلامی. سومین کنگره توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی ایران، تهران.
- الماسی، نجادعلی (۱۳۶۸). تعارض قوانین. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۲۷). کشف اسرار. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، چاپ سوم.

- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(۵).
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). توضیح المسائل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(۵).
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۱). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(۵).
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). استفتائات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(۵).
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(۵).
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(۵)، چاپ چهارم.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ ق). الحدائق الناضره في احكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ثقفی، عباسعلی (۱۳۷۵). تقلب در حقوق بین الملل خصوصی. تهران: دانشگاه امام صادق^(۴).
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۱۷ ق). معجم فقه الجواهر. بیروت: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۶۹). دانشنامه عمومی. تهران: مؤسسه ترجمه و نشر.
- حیدری خورمیزی، سید محمد (۱۳۹۶). قانون و قانون گذاری در حکومت اسلامی با تأکید بر دیدگاه میرزای نائینی و امام خمینی^(۵). اندیشنامه ولایت، ۳ (۶)، ۸۷-۱۰۴. https://avj.smc.ac.ir/article_36773.html
- خلیلی، محسن (۱۳۷۸). بایستگی پدیداری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دیدگاه امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۱(۱)، ۲۶۶-۲۲۵. [doi:20.1001.1.24236462.1377.1.1.8.4](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1377.1.1.8.4)
- دانش پژوه، مصطفی (۱۳۹۱). شناسه حقوق. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: نشر جنگل.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۸۷). حقوق شناسی. مشهد: نشر ثالث.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۱۴۰۶ ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه

- مدرسین حوزه علمیه قم.
- شیرخانی، علی (۱۳۸۹). قانون و قانون‌گذاری در منظومه فکری امام خمینی (ره). مطالعات سیاسی، ۲(۸)، ۱۲۳-۱۴۶. https://jourm.azadshahr.iau.ir/article_666099.html
 - صفایی، سید حسین (۱۳۸۹). قواعد عمومی قراردادها. تهران: نشر میزان.
 - علی بن ابیطالب (۱۳۸۰). نهج البلاغه. گردآوری شریف رضی، ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ بیست و یکم.
 - کاتبی، حسینقلی (۱۳۸۷). فرهنگ حقوق. تهران: نشر میزان.
 - کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
 - کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
 - کاشانی، سید محمود (۱۳۵۲). نظریه اجرای متقالبانه قوانین. تهران: دانشگاه ملی ایران.
 - محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 - محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷). منتخب میزان الحکمه. قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
 - محمود پناهی، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی روش هرمنوتیک عمدی اسکینر. تهران: نشر دیدار.
 - مفتاح، محمدهادی (۱۳۸۹). جلوه‌ای از حاکمیت قانون‌گرادر احادیث سیره رسول‌الله. حدیث پژوهی، ۲(۳)، ۱۶۲-۱۴۰. https://s-hadith.kashanu.ac.ir/article_111041.html
 - مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ ق). حیل‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی.
 - ملائی، مهدی (۱۳۹۴). فلسفه پایداری تعهدات. گرگان: انتشارات نوروزی.
 - ملائی، مهدی (۱۳۹۵). فلسفه ضمانت اجرای قرارداد. تهران: دانشگاه خوارزمی.
 - ملائی، مهدی (۱۳۹۹). حقوق اساسی. گرگان: انتشارات نوروزی.
 - ملائی، مهدی و شاهینی، علی (۱۳۹۱). جلوه‌های حقوقی. گرگان: انتشارات نوروزی، چاپ اول.
 - مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی (۱۴۲۶ ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

- میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). جامع الشتات. تصحیح مرتضی رضوی، تهران: نشر کیهان.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۶ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نصیری، محمد (۱۳۷۲). حقوق بین الملل خصوصی. تهران: انتشارات آگاه.
- نعیمی، طاهره سادات، موسوی، سید فرج الله (۱۳۹۶). انصاف و عدالت در سیستم قانون گذاری ایران و رویکردهای قضایی امام خمینی (س). پژوهشنامه متین. ۱۹ (۷۷)، ۱۱۱-۱۳۵. [doi: 20.1.1.24236462.1396.19.77.6.4](https://doi.org/10.1.1.24236462.1396.19.77.6.4)
- A group of researchers. (1996). *Dictionary of Jurisprudence* (muejam fiqh aljawahir). Beirut: Al-Ghadir for printing, publishing and distribution, first edition. [In Persian]
- Ali bin Abitaleb. (2001). *Nahj al-Balagha*. Compiled by Sharif Razi, translated by Seyyed Jafar Shahidi, 21st edition.
- Almasi, N. A. (1989). *Conflict of Laws*. Tehran: University Publishing Center, First Edition. [In Persian]
- Ardabili, A. (1983). *Majma' al-Faidah wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan*. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom, first edition. [In Arabic]
- Ashrafi, D. & Davoudi, H.R. (2011). Legitimacy and National Security in Imam Khomeini's Political Thought. *Scientific Quarterly of International Relations Studies*, 4(15), 9-34. https://prb.ctb.iau.ir/article_524515.html
- Attride-Stirling, J. (2001). *Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research*. SAGE publications.
- Bahrani, Y. (1984). *Alhadayiq alnaadiruh fi ahkam aleutrat altaahira*. Qom: Institution of Islamic Publishing. [In Arabic]
- Given, L. M. (2008). *The sage encyclopedia of qualitative Methods*. London.
- Heidari Khormizi, S. M. (2017). Law and Legislation in the Islamic Government with Emphasis on the Perspective of Mirza Naeini and Imam

- Khomeini. *Provincial Ideology*, 3(6), 87-104. https://avj.smc.ac.ir/article_36773.html
- Hurr Amili, M. (1989). *Tafsil vasail Al- Shia Ela Tahsil Masail Al- Sharia*. Qom: Al-Bayt Foundation, first edition, 29 volumes. [In Arabic]
 - Islamic jurisprudence encyclopedia institute. (2005). *Culture of jurisprudence according to the religion of the Ahl al- Bayt*. Qom: Islamic jurisprudence encyclopedia institute on the religion of Ahl al-Bayt, peace be upon them, first edition. [In Persian]
 - Kashani, S. M. (1973). *Theory of fraud against the law*. Tehran: National University of Iran, first edition. [In Persian]
 - Katebi, H. (2008). *law dictionary*. Tehran: Mizan Publishing, First Edition. [In Persian]
 - Katozian, N. (1994). *General Rules of Contracts*. Tehran: Publishing Joint Stock Company, Third Edition. [In Persian]
 - Katozian, N. (2004). *Introduction to Law*. Tehran: Publishing Joint Stock Company, Print 42. [In Persian]
 - Khalili, M. (1999). The emergence of the constitution of the Constitution of the Islamic Republic of Iran in the view of Imam Khomeini. *Matin Research Journal*, 1(1), 225-266. [dor: 20.1001.1.24236462.1377.1.1.8.4](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1377.1.1.8.4)
 - Khomeini, S. R. (1948). *Kashf al- Asrar*. Tehran: Ilmia Islamia bookstore, third edition. [In Persian]
 - Khomeini, S. R. (1994). *Velayat- e Faqih*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works, Third Edition. [In Persian]
 - Khomeini, S. R. (1998). *Explanation of the Hadith of the Soldiers of Wisdom and Ignorance*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works.
 - Khomeini, S. R. (1999). *Clarification of Issues*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]

-
- Khomeini, S. R. (2006). *Collection of Imam works*. Tehran: Imam Khomeini Education and Research Institute's Publications. [In Persian]
 - Khomeini, S. R. (2013). *Referendums*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
 - Khomeini, S. R. (2000). *Kitab al-Bayy*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works, first edition. [In Persian]
 - Makarem Shirazi, N. (2007). *Sharh ah tricks and correct solutions*. Qom: Publications of Imam Ali Ibn Abi Talib School, second edition. [In Persian]
 - Mirza-ye Qomi, A. (1993). *Jame Al-Shattat*. edited by Morteza Razavi, Tehran: Kayhan Publishing. [In Persian]
 - Mohammadi Rey Shahri, M. (2008). *Selected Measure of Wisdom*. Qom: Hadith Publishing Organization, seventh edition. [In Persian]
 - Muhaqqiq al-Hilli, J. (1987). *Islamic Law in the Issues of Halal and Haram*. Qom: Ismaili Institute, second edition, 4 volumes. [In Arabic]
 - Mollaei, M. (2015). *Philosophy of Sustainability of Commitments*. Gorgan: Nowruz Publications. [In Persian]
 - Mollaei, M. (2016). *Philosophy of Contract Execution Guarantee*. Tehran: Kharazmi University. [In Persian]
 - Mollaei, M. (2020). *Constitutional Rights Introduction to the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Gorgan: Nowruz Publications. [In Persian]
 - Mollaei, M. & Shahini, A. (2012). *Legal effects*. Gorgan: Nowruz Publications, first edition. [In Persian]
 - Mufattih, M. H. (2010). A view of a Law-abiding Government in the Traditions of the Prophet's life. *Journal of Hadith Studies*, 2(3), 140-162. https://s-hadith.kashanu.ac.ir/article_111041.html?lang=en
 - Naimi, T.S. Mousavi, S. F. (2017). Fairness and Justice in the Iranian Legislative System and Judicial Approaches of Imam Khomeini (PBUH). *Matin Research Journal*, 19(77), 111-135. [doi: 20.1001.1.24236462.1396.19.77.6.4](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1396.19.77.6.4)

- Najafi, M. H. (1985). *The jewel of the word in the explanation of Islamic law*. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi, seventh edition, 43 volumes. [In Arabic]
- Nasiri, M. (1993). *Private International Law*. Tehran: Agah Publications, First Edition. [In Persian]
- Safaei, S. H. (2010). *General Rules of Contracts*. Tehran; Mizan Publishing, Eighth Edition. [In Persian]
- Shahid Thani, Z. (1985). *Al-Rawdha al-Bahiyya fi Sharh al-Lama'a al-Damashqiyya*. Qom: Publications of the Office of Islamic Propaganda of the Seminary of Qom, first edition, 2 volumes. [In Arabic]
- Sheikh Al-Islami, M. (2005). *Private International Law*. Tehran: Ganj-e-Danesh Publishing, First Edition. [In Persian]
- Shirkhani, A. (2010). Law and legislation in the intellectual system of Imam Khomeini (RA). *Political Studies*, 8(2), 123-146. https://jourm.azadshahr.iau.ir/article_666099.html
- Tusi, M. (1986). *Al-Khalaf*. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom, first edition, 6 volumes. [In Arabic]

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

